



Identifying and Reconstructing the Inscription Above the Gate and Facade of the First Dar ul-Funun on Naser Khosrow Street Based on Dmitri Ermakov's Photographs

Ahmad Chaychi Amirkhiz^{1*}, Nikoloz Nakhutsrishvili²

1. Assistant Professor, Department of Historical and Cultural Materials Studies, ICAR. RICHT, Tehran, Iran

2. Giorgi Tsereteli Institute of Oriental Studies, Ilia University, Tbilisi, Georgia

Received 2022/07/23 | Accepted 2022/10/22

Abstract

In the last hundred years, the city of Tehran has changed so much as a result of which many urban spaces and historical structures have disappeared, especially in the citadel of Tehran (Arg-e Tehran). Buildings such as Dar ul-Funun, from which the country's educational and research facilities have taken root, have changed so much that their original architectural identity has been tarnished. While in recent years, there has been attempts to revive the main core of Tehran, lack of documents and written and oral data are felt, now more than ever. One of these required documents is historical photographs, many of which are scattered in the archives of museums and governmental and non-governmental centers, often without proper classification or photographic captions. Fortunately, during the last years of Nasser al-Din Shah's and the early years of Mozaffar al-Din Shah's (of Qajar dynasty) reign, Dmitri E. Yermakov, a famous Tbilisi photographer who specialized in photography of historical structures and textures, and was a member of the Russian Academy of Archeology and Fine Arts, moved to Tehran and took pictures of urban texture, historical buildings and other subjects. These photos all have captions, most of which are kept at the National Museum of Georgia. These photos can be used to identify the state of urbanization and to revive the historical texture of Tehran. This article, aimed to study these photographs using historical archeology methods.

Keywords: Nasser al-Din Shah, Dar ul-Funun, Gate Inscription, Historical photos, Dmitri E. Yermakov

Copyright © 2020 Journal of Studies of Cultural Heritage Documents. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Chaychi Amirkhiz, A., Nakhutsrishvili, N. (2022). Identifying and Reconstructing the Inscription Above the Gate and Facade of the First Dar ul-Funun on Naser Khosrow Street Based on Dmitri Ermakov's Photographs *Cultural Heritage Records Studies*, 2(2), 06-15.

Corresponding Author: Ahmad Chaychi Amirkhiz, Assistant Professor, Department of Historical and Cultural Materials Studies, ICAR. RICHT, Tehran, Iran. **Email:** a.chaychi@richt.ir



شناسایی و بازسازی کتیبه سردر و نمای نخستین دارالفنون در خیابان ناصر خسرو براساس عکس‌های دیمیتری یرماکف

احمد چایچی امیرخیز^{۱*}، نیکولوز ناخوتسریشویلی^۲

۱- استادیار، گروه پژوهشی اشیای فرهنگی - تاریخی، پژوهشکده باستان شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران
۲- مؤسسه شرق‌شناسی گرجستان، دانشگاه ایلیا، تفلیس، گرجستان

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱ | پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۳۰

چکیده

در صدسال اخیر، شهر تهران با تغییرات بسیاری همراه بوده است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از فضاهای شهری و سازه‌های تاریخی آن، به‌ویژه در منطقه ارگ از بین رفته‌اند؛ برای مثال ساختمان‌هایی مانند دارالفنون که تأسیسات آموزشی و پژوهشی کشور از آن ریشه گرفته، به‌قدری تغییر کرده‌اند که هویت اصلی معماری آنها مخدوش شده است. در سال‌های اخیر، که احیای هسته اصلی شهر تهران برای هویت‌بخشی و باززنده‌سازی آن ضرورت یافته، پژوهش‌های زیادی در مورد اسناد و مدارک و داده‌های نوشتاری و نانوشتاری انجام نشده است. یکی از این مدارک، عکس‌های تاریخی است که بسیاری از آنها در آرشیوهای موزه‌ها و مراکز دولتی و غیردولتی پراکنده است و طبقه‌بندی، شرح عکاسی و گاه‌شماری منظمی ندارد. خوشبختانه در اواخر حکومت ناصرالدین شاه و اوایل سلطنت مظفرالدین شاه قاجار، دیمیتری یرماکف عکاس نامی ساکن تفلیس (متخصص عکاسی از سازه‌ها و بافت‌های تاریخی و عضو آکادمی باستان‌شناسی و هنرهای مستظرفه روسیه تزاری) به تهران آمد و از بافت شهری و بناهای تاریخی تهران به همراه موضوعات دیگر عکاسی کرد. این عکس‌ها زیرنویس و شناسنامه دارند و بیشتر آنها در موزه ملی گرجستان نگهداری می‌شوند. به کمک این عکس‌ها می‌توان وضعیت شهرسازی و باززنده‌سازی بافت‌های تاریخی تهران را شناسایی کرد. پژوهش حاضر برآیند پژوهش مشترک پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری با مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه ایلیای گرجستان است که با بررسی عکس‌های موزه ملی گرجستان و در راستای روش‌های باستان‌شناسی تاریخی نگارش شده است.

واژه‌های کلیدی: ناصرالدین شاه، دارالفنون، کتیبه سردر، عکس‌های تاریخی، دیمیتری یرماکف

کپی رایت © دو فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی: دسترسی آزاد؛ کپی برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

چایچی امیرخیز، احمد، ناخوتسریشویلی، نیکولوز (۱۴۰۱). شناسایی و بازسازی کتیبه سردر و نمای نخستین دارالفنون در خیابان ناصر خسرو براساس عکس‌های دیمیتری یرماکف. *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، ۲ (۲)، ۱۵-۰۶.



* نویسنده مسئول: احمد چایچی امیرخیز، استادیار، گروه پژوهشی اشیای فرهنگی - تاریخی، پژوهشکده باستان شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.
پست الکترونیک: a.chaychi@richt.ir

مقدمه

دارالفنون نخستین پلی تکنیک یا دانشگاه کشور مدرسه‌ای نظامی بود که ششم دی‌ماه ۱۲۳۰ شمسی (پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ قمری) سیزده روز پیش از قتل امیرکبیر، با حضور ناصرالدین شاه، آقاخان نوری، صدراعظم جدید و گروهی از دانشمندان و معلمان ایرانی و اروپایی با ۳۰ نفر شاگرد گشایش یافت. ساخت بنای نخستین آن از سال ۱۲۶۷ هجری قمری آغاز شد و تا سال ۱۲۶۹ هجری قمری ادامه یافت (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۸؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷). در روزنامه وقایع اتفاقیه در مورد هدف گشایش دارالفنون آمده است:

چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است، چونکه منظور اعلی حضرت پادشاهی، تربیت اهل ایرانی است که از هر علم، خصوصه از علوم که زیاد به کار عامه خلق بیاید، آگاهی یابند و این علوم در دولت علیه ایران شایع شود و خاص و عام از فواید آنها بهره‌یاب گردند، از این جهت مقرر فرمودند که در میان آرک سلطانی مدرسه ساخته شده موسوم به دارالفنون و در همین روزنامه‌ها و در چند هفته قبل از این اعلان شد که هر کس بخواهد بیاید، بیاید در مدرسه مزبوره درس بخواند... (وقایع اتفاقیه، نمره ۴۸، ۱۳۷۳).

در آن زمان هفت معلم اتریشی، آموزش محصلانی را بر عهده داشتند که بیشتر از خانواده‌های مهم و بانفوذ بودند، پس از مدتی، با اعتراض سفیر انگلستان به ملیت اتریشی این افراد، چند استاد ایتالیایی، فرانسوی و آلمانی، سه استاد ایرانی طب، عربی و جغرافیا و یک استاد فرانسوی مقیم ایران به این جمع افزوده شدند. با وجود آغاز به کار مدرسه در سال ۱۲۶۸ هجری قمری، عملیات ساختمانی آن تا سال ۱۲۶۹ قمری ادامه یافت. در این زمان، مدرسه دارالفنون از نظر معماری و ساخت‌وساز دچار تغییراتی اساسی شد. به نظر می‌رسد در سال ۱۳۰۴ قمری، نیرالملوک وزیر علوم، تالار نمایش را در مدرسه ساخت تا مکانی برای اجرای تئاتر باشد. از آن زمان درب اصلی مدرسه در خیابان همایون بسته و دری به خیابان ناصریه سابق و ناصرخسرو فعلی گشوده شد؛ البته تاریخ فوق بر هیچ مدرک مستندی استوار نیست، اما سیده بشری موسوی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری دانشگاه شهیدبهشتی و مهرداد قیومی بیدهندی، استاد راهنما با بررسی عکس‌ها و نقشه‌های تاریخی موجود، سال‌های انتهایی دهه ۹۰ قمری را سال‌های تغییرات مدرسه دارالفنون و دوره دوم معماری آن را پیش از تخریب و بازسازی کامل آن در دوره پهلوی اول معرفی کردند. به اعتقاد آنها، در این سال‌ها سردر ورودی دارالفنون در خیابان ناصرخسرو ایجاد شد (قیومی و موسوی، ۱۳۹۷).

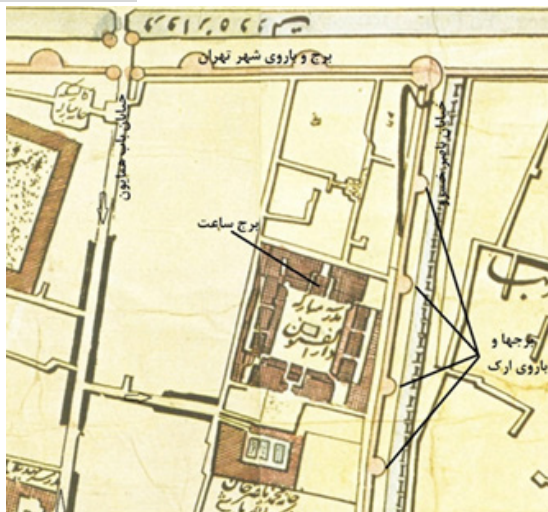
فرضیه پژوهش ذکر شده با وجود جمع‌آوری همه اسناد و مدارک با مشکلاتی همراه است، اما ارزش عکس‌های تاریخی را در

باززنده‌سازی هسته اصلی تهران و هویت‌بخشی به آن به‌خوبی نشان می‌دهد. عکس‌های یرماکف استاد مسلم و بی‌بدیل عکاسی بنا و بافت‌های تاریخی نیز از این ویژگی برخوردار است. در آن زمان، داوودخان مسیحی، نماینده امیرکبیر به اتریش رفت تا هفت استاد در زمینه کارهای نظامی و امور وابسته به آن، همچنین استادی برای آموزش فیزیک، شیمی و داروسازی و دو معدن‌چی توانمند را به خدمت بگیرد؛ در نتیجه این استادان به‌منزله اولین استادان دارالفنون مشغول به کار شدند که عبارت‌اند از: یاکوب ادوارد پولاک (Polak)، معلم طب، دکتر فوکتی (Focckette)، معلم طبیعیات و داروسازی، چارنوتا (Charnota) معلم معدن‌شناسی، زاتی (Zatti) معلم ریاضیات و هندسه، موسیو کرشیش (Kerziz)، معلم توپخانه، آلفرد بارون دی گومنس (Cummoans) معلم پیاده‌نظام و نمی‌رو (Nemiro) معلم سواره‌نظام.

افزون بر اینها، موسیو ریشارد (Richard) فرانسوی که فارسی را خوب می‌دانست و تقریباً ایرانی شده بود و میرزاملکم‌خان که از ارامنه جلفا و مدتی وزیرمختار در انگلستان بود، برای تدریس در رشته‌های زبان فرانسه و جغرافیا در دارالفنون استخدام شدند. ریشارد از نخستین عکاسان مدرسه بود. همه معلمان اروپایی در رشته مربوط به خود دانشمند و مبتکر بودند و علاوه بر تدریس و تألیف کتاب‌های درسی، به فعالیت‌های دیگری هم می‌پرداختند؛ چنان‌که موسیو کرشیش اتریشی، اولین چراغ‌گاز، تلگراف و نقشه مفصل تهران را با همراهی شاگردانش تهیه کرد. بعدها معلمانی از ایتالیا، آلمان و فرانسه نیز استخدام شدند که بیشتر آنها عکاسی می‌کردند؛ به همین دلیل دارالفنون و عکاس‌خانه آن را نمی‌توان دور از این فعالیت‌ها دانست (ورهرام، ۱۳۸۵).

عکاس‌خانه و بخش‌های دیگر دارالفنون

سرپرستی و ریاست مدرسه در آغاز بر عهده میرزاحمدعلی‌خان شیرازی، وزیر خارجه بود و پس از او به عزیزخان مکرری، آجودان‌باشی کل نظام واگذار شد؛ زیرا جنبه نظامی مدرسه بیشتر بود. پس از این، ریاست مدرسه به میرزا محمدخان امیرتومان رسید و پس از مدتی علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه، فرزند فتحعلی‌شاه قاجار و وزیر علوم، این مسئولیت را بر عهده گرفت. دروس مدرسه ابتدا تئوری بود، اما پس از یک سال، شاگردان طب و جراحی در مریض‌خانه دولتی به کارآموزی و مداوا مشغول شدند. در سال ۱۲۷۲، موسیو فوکتی معلم فیزیک، شیمی و دواسازی به همراه فرخ‌خان امین‌الملک به فرنگستان رفت و ابزارهای یک آزمایشگاه مناسب را با خود آورد. پس از آن، محصلان در آزمایشگاه مشغول به کار شدند. در صفر سال ۱۲۷۵ قمری، شاگردان مسیو کرشیش ارتفاعات قصر نیاوران و کوه دماوند را از سطح تهران مشخص کردند. نقشه تهران را کرشیش و شاگردانش تهیه کردند و ۱۲۰۰ نسخه از آن را به چاپ رساندند. از دیگر اقدامات شاگردان کرشیش،



تصویر ۲. موقعیت دارالفنون در دوره اول شهرسازی و ساخت دارالفنون براساس نقشه آگوست کرشیش و شاگردان دارالفنون در سال ۱۲۷۵ قمری (کاخ گلستان)



تصویر ۱. مدرسه دولتی (دارالفنون)، عکاس‌خانه، داروخانه در خیابان ناصری یا ناصرخسروی امروزی. عکاس: یرماکف، شماره عکس ۱۰۱۲۱ شماره ثبت موزه ۱۴۳۵۹ (موزه ملی گرجستان)

موزیک، موسیو ووپلیه معلم علم معدن، دکتر آبو معلم طب فرنگی، مادروس خان معلم زبان روسی، موسیو قلمر معلم علم توپخانه، موسیو وت معلم پیاده‌نظام و موسیو طیلر معلم زبان انگلیسی.

۲. عکاس‌خانه، باسمه‌خانه و دواخانه مدرسه مبارکه (تصویر ۱).

۳. مریض‌خانه دولتی و مدرسه دولتی تبریز (ورهرام، ۱۳۸۵).

تاریخ دقیق گشایش عکاس‌خانه در دارالفنون و آموزش این رشته مشخص نیست، اما شاید از همان ابتدای تأسیس مدرسه، معلمان و سپس دانش‌آموزان تجربه‌هایی در زمینه عکاسی داشتند. پس از این، به دستور ناصرالدین شاه عکاس‌خانه مبارکه دارالفنون افتتاح و آموزش این رشته هنری آغاز شد. در مرحله بعد، عکاسان خارجی با سبک‌ها و مهارت‌های فنی و هنری گوناگون در آن به عکاسی پرداختند و تجربه‌های عکاسی را به ایرانی‌ها منتقل کردند. مقایسه نقشه آگوست کرشیش به سال ۱۲۷۵ قمری (تصویر ۲) و نقشه عبدالغفار به سال ۱۳۰۹ قمری (تصویر ۳) که هر دو به کمک شاگردان دارالفنون تهیه شده است، نشان می‌دهد در فاصله زمانی تهیه این دو نقشه، تأسیسات دیگری در شمال مدرسه قدیم به نام مدرسه جدید، همچنین بنای تئاتر و تلگراف‌خانه به بنای نخستین افزوده و ورودی جدیدی به خیابان تازه احداث‌شده ناصریه یا ناصرخسرو گشوده شد (تصویر ۴ و ۵). بنای امروزی دارالفنون (تصویر ۶) در خیابان ناصرخسرو که گنجینه و مراکز اسناد آموزش و پرورش و موزه دارالفنون نامیده می‌شود، در سال ۱۳۰۷ شمسی، به‌جای بنای قاچاری دارالفنون ساخته شد (تصاویر ۷-۹). آنچه از بنای قاچاری در مدرسه کنونی باقی است (تصویر ۷) چند قطعه کاشی و آجر است که جایگاه اصلی‌شان مشخص نیست (قیومی و موسومی، ۱۳۹۷).

گفتنی است، پی‌بردن به تحولات معماری دارالفنون از ابتدای

کشیدن اولین سیم تلگراف از مدرسه تا کاخ گلستان و تهیه چراغ گاز بود.

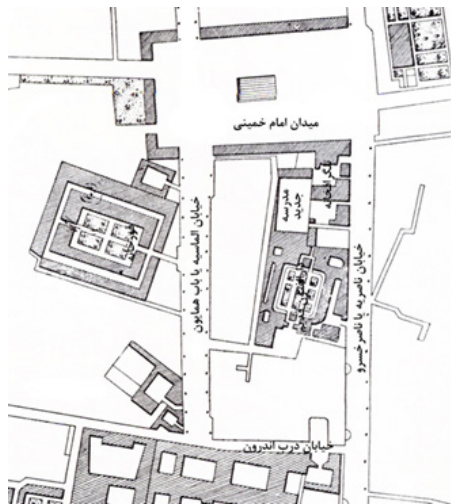
از جمله موادی که در آزمایشگاه تهیه شد، نیترات نقره بود که کاربرد بسیاری در عکاسی داشت. در دارالفنون، کارگاه‌های جانبی مانند طناب‌سازی و شمعی وجود داشت که در هر دو جنبه عملی و تئوری فعالیت داشتند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۸). دارالفنون، پیشگام فعالیت‌های علمی در کشور، با دخالت کشورهای استعماری، استخدام مدرسان ایتالیایی و اغتشاش و هرج و مرج آنها، همچنین سوءظن شاه به شاگردان این مدرسه و علل دیگر، به افول و رکود نسبی دچار شد (آدمیت، ۱۳۸۵؛ نصری، ۱۳۸۶)؛ اما عکاسی در آن روندی سریع و روبه‌رشد داشت (افشار، ۱۳۷۰).

مدرسه دارالفنون از دوره ریاست اعتضادالسلطنه، وزیر علوم در حال گسترش بود و هسته اولیه وزارت علوم را تشکیل می‌داد. درحقیقت بسیاری از تشکیلات علمی کشور از این مدرسه نشئت گرفته یا منشعب شده است. در سال ۱۳۰۰ قمری، نام این وزارتخانه، وزارت علوم، تلگراف و معادن بود که قسمت‌های زیر را شامل می‌شد:

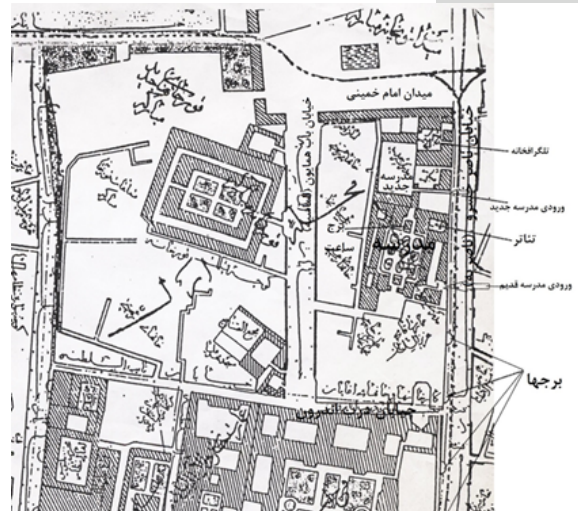
۱. مدرسه مبارکه دارالفنون (رئیس، ناظم، آجودان، رئیس‌الکتاب، سررشته‌دار، ناظر) با ۲۶۲ محصل و معلم ایرانی و اروپایی به شرح زیر:

الف) معلمان ایرانی شامل معلم طب، معلم کل علوم ریاضی، معلم حکمت طبیعی، رئیس‌الاطباء و حکیم‌باشی کل نظام، معلم نقاشی و زبان فرانسه و علوم ادبیه و عربی، معلم زبان فارسی و مقدمات عربی، معلم طب مجانی، منجم‌باشی و معلم زبان فرانسه.

ب) معلمان خارجی از جمله موسیو ریشارخان، معلم زبان فرانسه، پروسکی‌خان معلم زبان فرانسه و جغرافیا، موسیو لمر، معلم کل



تصویر ۴. پلان دارالفنون در زمان احمدشاه و موقعیت آن در مقایسه با خیابان‌های اطراف (سحاب)



تصویر ۳. موقعیت مدرسه قدیم و جدید و ورودی‌های احداث شده به خیابان ناصریه و تغییرات مدرسه دارالفنون در دوره دوم شهرسازی در نقشه عبدالغفار، ترسیم شده در سال ۱۳۰۹ قمری (سحاب)



تصویر ۶. تصویر سردر دارالفنون در سال‌های اخیر



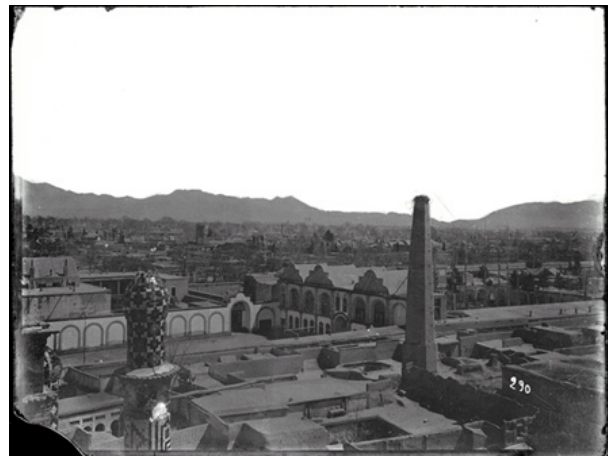
تصویر ۵. برج و باروی شرقی آرک، خیابان ناصریه، دورنمای مدرسه دارالفنون، کوه‌های برفی شمال تهران. عکاس: یرماکف، شماره عکس ۵۳۰۵ شماره ثبت موزه ۱۴۳۵۹ (موزه ملی گرجستان)

شد و عموم مردم توانستند از آن استفاده کنند. در سال ۱۲۸۲ خیابان ناصری یا ناصرخسرو برای جلوگیری از عبور و مرور دوآب و چهارپایان از میدان آرک با انباشت خاک و پرکردن خندق شرقی آرک ساخته شد. در سال ۱۲۸۴ قمری نیز بنای معروف شمس‌العماره که به خیابان ناصرخسرو مشرف می‌شد و به آن راه می‌یافت در این محل شکل گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷). تلگراف‌خانه، از اجزای دارالفنون بنای مهم دیگری بود که هویت شهری خیابان ناصریه و دروازه‌های ورودی آن را کامل می‌کرد. تا سال ۱۳۰۷ قمری، خطوط تلگرافی ایران کامل و به تلگراف‌خانه

ساخت، بدون بررسی ارتباطات فضایی با بناهای دیگر محوطه آرک سلطنتی و مناطق هم‌جوار آن، همچنین برنامه‌های شهرسازی و توسعه شهری ناصرالدین شاه قاجار امکان‌پذیر نیست. از زمان شروع ساخت مدرسه در سال ۱۲۶۷ قمری، کوچه‌های آرک برای حرکت کالسکه شوسه شد و ساخت بناهای جدید نیز از سال ۱۲۶۸ قمری در منطقه آرک صورت گرفت. در سال ۱۲۷۸، در شمال غربی و در میدان مشق تهران طاق‌نماهای آجری ساخته شد. باغ مشهور به گلشن از ۱۲۸۰ هجری قمری در میدان آرک، همچنین طراحی استخر و آب‌نما و طراحی نرده‌های پارک دو طرف استخر آغاز



تصویر ۸. نمای شرقی دارالفنون در دوره پهلوی اول که به جای مدرسه قاجاری ساخته شد



تصویر ۷. تصویر دارالفنون از بالای یکی از سردرها. عکاس: سوروگین، مؤسسه اسمیتسونین

مجموعه عکس‌های دیمیتری یرماکف در موزه ملی گرجستان

به نظر می‌رسد نخستین استودیوی کار یرماکف در تهران که مکان آن نامشخص است، در اواخر دهه هشتاد تا اواخر دهه نود میلادی و به طور موقت ایجاد شده باشد. دومین استودیوی کار او نیز اوایل سلطنت مظفرالدین شاه قاجار در طبقه دوم دارالفنون و نزد عکاس‌خانه عبدالله قاجار بوده است. خوشبختانه تحقیقات مرحوم ذکاء‌نشان‌دهنده حضور یرماکف در تهران و کار موقت در این شهر است. به گفته وی:

«... رغبت و تمایل مردم تهران به گرفتن عکس، باعث گردیده بود که برخی عکاسان خارجی نیز برای عکس‌برداری، به طور موقت به تهران مسافرت کرده، عکاس‌خانه دایر کنند. از جمله عکاس ماهر و استادی به نام یرماکوف (D.Ermakov) که عکاس دولتی در شهر تفلیس و دارای مدال‌ها و نشان‌های فراوان بود، در همین زمان‌ها یا کمی دیرتر، عازم ایران و تهران شده و پیشاپیش در قفقاز اعلانی به زبان‌های فرانسه و فارسی (بسیار شکسته بسته) آماده و چاپ کرده و جای نشانی عکاس‌خانه را خالی گذاشته بود، که در محل تعیین و با دست پر کند. نسخه‌ای از این اعلان که متأسفانه تاریخ ندارد، بر روی کاغذ آبی پررنگ با چاپ سیاه، در نمایشگاه «دویستمین سال مرکزیت تهران» (۱۶ تا ۳۰ آذرماه ۱۳۶۸) مشاهده گردید که مضمون فارسی آن را عیناً در اینجا می‌آوریم:

اعلانات موسیو یرماکوف از عکاسان دولتی و علمی روس که ۲۹ قدر مدال و نشان و دیپلوم افتخار حاصل نموده است، برای چند وقت موقت (در طهران در خیابان ناصری در عکاس‌خانه مدرسه



تصویر ۹. خیابان الماسیه یا باب‌همایون که ورودی نخستین دارالفنون به آن راه می‌یافت. عکاس: دیمیتری یرماکف، شماره عکس ۵۲۵۵، شماره ثبت موزه ۱۴۰۰۸ (موزه ملی گرجستان)

متصل شد که هماهنگ با مجموعه الحاقی به دارالفنون بود. همه موارد براساس نقشه شهرسازی انجام شد که به دوره دوم معماری و شهرسازی ناصرالدین‌شاه موسوم است. از سال ۱۲۸۷ قمری، شاگردان دارالفنون به سرپرستی میرزا عبدالغفار نقشه جدید اراضی تهران را به همراهی پلان، سردر خیابان‌ها و دروازه‌های جدید طراحی کردند (همان، ۱۶۱۵) و تا سال ۱۳۰۹ قمری به تکمیل آن پرداختند (هورشید و چایچی، ۱۳۹۶).



تصویر ۱۱. کتیبه سردر ورودی دارالفنون از خیابان ناصریه عکس شماره ۱۰۱۲۱ از مجموعه یرماکف



تصویر ۱۰. مظفرالدین شاه، شماره عکس ۹۹۶۴، شماره ثبت ۹۰۲۶ یرماکف (موزه ملی گرجستان)

استرئوسکوپی (دوتایی قابل مشاهده در نوعی چشمی به صورت برجسته‌نما) از شماره‌های ۱ تا ۱۳۹۱ دیده می‌شود که در بخش دوم آورده شده است. این تاریخ سال کشته‌شدن ناصرالدین شاه قاجار به دست میرزا رضای کرمانی و به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه است. با توجه به زمان جمع‌آوری و چاپ این کاتالوگ می‌توان عکس‌ها را به دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار منتسب کرد. موضوعات عکس‌های ایران در این کاتالوگ بیشتر شامل مناطق تهران، اصفهان، قزوین، رشت، انزلی، مازندران و جاده‌هاست. کاتالوگ دوم که در سال ۱۹۰۱ میلادی در شهر تفلیس منتشر شده است دو بخش دارد. بخش اول فهرست عکس‌ها و بخش دوم مربوط به عکس‌های استرئوسکوپی است. عکس‌های معمولی از شماره‌های ۸۷۴۴ تا ۱۱۳۰۸ و عکس‌های استرئوسکوپی از شماره‌های ۱۳۹۲ تا ۱۹۲۵ شماره‌گذاری شده‌اند. همه شماره‌ها ادامه شماره‌های کاتالوگ اول هستند. کاتالوگ سوم که تنها به صورت نسخه اولیه و منتشر نشده وجود دارد، در موزه ملی گرجستان نگهداری می‌شود و شامل فهرست عکس‌های یرماکف از شماره‌های ۱۱۳۰۹ تا ۱۹۰۵۵ است. با توجه به موضوعات ایران در این کاتالوگ‌ها و شواهد دیگر، یرماکف دست‌کم سه بار به ایران سفر کرده است. با توجه به عکس‌های میرزا رضا کرمانی و صحنه اعدام او که مربوط به کاتالوگ دوم اوست، همچنین عکس‌هایی از مظفرالدین شاه پس از ورود به تهران (تصویر ۱۰)، احتمال می‌رود یکی از مسافرت‌های او پیش از سال ۱۸۹۵ یعنی آخرین سال‌های حکومت ناصرالدین شاه آغاز و در سال ۱۸۹۶ به پایان رسیده باشد که این تاریخ با چاپ کاتالوگ اول هم‌زمان است. در سال‌های آغازین حکومت مظفرالدین شاه، او در تهران حضور دارد. عکس سردر دارالفنون (تصویر ۱۱) و تغییرات اعمال شده در آن به‌خوبی

مبارک دارالفنون) به طی اعمال خود در کمال دقت اشتغال خواهد نمود و به این علم جدید که صنعت فتوغرافی تحصیل نموده، می‌تواند عکس هر کس را به اندازه خلقت طبیعی خود به‌طوری که هست بی‌کم و زیاد بیندازد و هکذا هر قدر کوچک‌تر که بخواهند و عکس عمارت را خواه اندرونی باشد خواه بیرونی نیز به‌طور تکمیل می‌تواند انداخت و به استمداد این علم جدید که نه تنها در مطابقت عکس با خلقت طبیعی صنعت خواهد رفت، بلکه در قشنگی و دادن یک حالت مخصوص ممارست به عمل خواهد آمد. همه فرمایشات طی کرده خواهد شد در کمال دقت و جلدی» (ذکاء، ۱۳۷۶).

خوشبختانه یرماکف فهرست برخی عکس‌هایی را که گرفته در دو کاتالوگ چاپ کرده است. سند معتبری از تاریخ عکس‌های گرفته‌شده توسط او و مشخصات موضوعات زیرنویس شده در عکس به زبان روسی است. عنوان کاتالوگ اول او که در سال ۱۸۹۶ میلادی چاپ شد «کاتالوگ عکس نمونه‌ها و گونه‌های قفقاز، ایران، اروپا و آناتولی» است. در سال ۱۹۰۱ میلادی، کاتالوگ دومی چاپ شد که نمونه‌های زیادی به عکس‌های قبلی او اضافه کرد. درحقیقت انتشار این دو کاتالوگ پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش را برای متصدیان به وجود آورد (Ermakov, 1986, 1901). کاتالوگ دیگری نیز به‌صورت دست‌نویس وجود دارد که تاکنون چاپ نشده و نتیجه کارهای دیگر او از سال ۱۹۰۱ تا پایان عمر یعنی سال ۱۹۱۶ و پیش از پایان جنگ جهانی اول و سقوط امپراتوری روسیه تزاری است. موضوعات و جزئیات مطرح‌شده در این کاتالوگ‌ها ارزش کارهای او را برای پژوهش‌های میراث فرهنگی ایران آشکار می‌کند. کاتالوگ اول تقریباً در سال ۱۸۹۶ میلادی منتشر شد که شماره‌های ۱ تا ۸۷۴۳ را دربرمی‌گیرد. در این کاتالوگ، عکس‌های



تصویر ۱۳. نیمه سمت راست عکس شماره ۱۰۱۲۱ از مجموعه یرماکف موزه ملی گرجستان



تصویر ۱۲. نیمه سمت چپ عکس شماره ۱۰۱۲۱ از مجموعه یرماکف موزه ملی گرجستان

را می‌گشاید و عکس آن به قدری واضح و کامل است که از آن می‌توان برای بازسازی نما و سردر آن در محل کنونی دیوار شرقی بنای جدید دارالفنون و در سمت جنوبی و در مجاورت خیابان ناصرخسرو استفاده کرد. کتیبه سردر دارالفنون با نام ناصرالدین شاه در سطر اول با رنگ پوشانده شده و با وجود آسیب‌های فراوان چنین خوانده می‌شود:

سطر اول: به امر سلطان عادل {.....} که دولتش پاینده و جاوید باد
سطر دوم: سردر مبارکه دارالفنون در سال هزار و دویست و نود و دو (؟) انجام به فرخی یافت (تصویر ۱۱و۱)

شده است و سال هزار و دویست و نود به سادگی و عدد دو به سختی و با تغییر فیلترهای نوری قابل خواندن است. این تاریخ با گزارش اعتمادالسلطنه مطابقت می‌کند: «... مقارن این ایام (۱۲۹۲ ه. ق) در دارالخلافه درب جدیدی در خیابان ناصریه برای مدرسه مبارکه دارالفنون ساخته شد...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷). دکتر مهرداد قیومی بیدهندی و شاگردش سیده بشری موسوی با مطالعه عکس‌ها و نقشه‌های فراوان تاریخی نتیجه گرفتند. بر این اساس، به نظر می‌رسد در اواخر دهه ۹۰ هجری قمری ورودی جدید دارالفنون به سمت ناصریه یا ناصرخسرو ایجاد شده باشد. نیمه چپ عکس،

گویای این مدعاست (چاپچی و افضل‌زاده، ۱۳۹۲).

بررسی نمای شرقی دارالفنون در خیابان ناصریه (ناصرخسرو) و عکس کتیبه سردر دیمتری یرماکف عکاس نامدار شهر تفلیس با وجودی که در عکاس‌خانه دارالفنون اشتغال داشت، تعداد دفعاتی که از این عکاس‌خانه استفاده کرده است، مشخص نیست، اما عکس کتیبه سردر دارالفنون مدیون کارهای او در عکاس‌خانه عبدالله میرزای قاجار است. یرماکف، استاد مسلم عکس‌برداری از بناهای تاریخی (De Herder, 2008) است. یکی از شاهکارهای هنری او عکاسی از داروخانه، سردر دارالفنون و عکاس‌خانه عبدالله قاجار در بالاخانه آن در خیابان ناصریه است. ویژگی یرماکف عکاسی از زاویه مناسب، استفاده از اشخاص برای مقیاس، القای حس حرکت و زنده بودن، نشان دادن جزئیات کامل بنا یا به تعبیر امروزی مستندنگاری باستان‌شناسی و تاریخی و در نهایت جمع‌بندی چند موضوع گوناگون در یک عکس است؛ به صورتی که تک‌تک اجزای عکس شماره ۱۰۱۲۱ (تصویر ۱) را می‌توان جداگانه مطالعه کرد و اطلاعات فراوان تاریخی، معماری و هنری را از آن به دست آورد. یکی از ورودی‌های دارالفنون از خیابان ناصریه عکس منحصر به فردی است؛ زیرا شبیه آن معرفی یا درباره آن پژوهش نشده است. این سردر برخی گره‌های معماری دارالفنون

کرد. تابلو و پرده‌های آویزان شده در داخل را به‌سختی می‌توان دید. اطراف، بالا و پایین هشت جفت شمعدان‌های حباب‌دار برای روشنایی شب وجود دارد که روی دیوار آجری نصب شده‌اند. هفت رشته سیم تلگراف و مقره‌های آن دیده می‌شود که از تلگراف‌خانه در ابتدای خیابان ناصریه کشیده شدند و نشانه کامل شدن خطوط تلگرافی در این دوره هستند.

بر طبقه دوم سایبان چادری دیده می‌شود و در نیمه راست عکس دواخانه (داروخانه) قابل مشاهده است که سردر ورودی آن سایبان دارد (تصویر ۳). هنوز پوشش‌های چوبی از دو پنجره طاق‌دار سمت چپ ورودی داروخانه برداشته نشده‌اند، اما پوشش‌های چوبی دیگر در دو پنجره سمت راستی قرار ندارند. مغازه یا اداره دیگری در سمت راست دیده می‌شود که تابلوی پایین و بالای آن قابل خواندن نیست. لنگه چوبی پوشش در ورودی برداشته شده، ولی کنار نرفته است. شاید ورودی تلگراف‌خانه است؛ زیرا تابلوی بالا به لاتین است و شاید جمله Telegraph را نشان می‌دهد. در مقابل داروخانه دو نفر با لباس متحدالشکل ایستاده‌اند و دو زن چادری در پشت آنها نشسته‌اند. در سمت چپ آنها نیز کودکی نشسته روی سکوی آجری که وسیله‌ای در دست دارد و دو نفر از جوانان دیده می‌شوند.

کل صحنه دقیقاً آغازین یک روز کاری را تداعی می‌کند. در طبقه بالا، تابلوی عکاس‌خانه عبدالله قاجار دیده می‌شود. پرچم مانع از دیده شدن کامل حروف تابلوست، اما کلمات زیر قابل تشخیص هستند: عکاس مخصوص اعلی حضرت... شاهنشاهی روحنا فدا، عبدالله قاجار (تصویر ۱۴). در پنجره‌های بالاخانه داروخانه که محل عکاس‌خانه است، چراغ‌ها دیده می‌شوند. در بالکن کوچک تصویری میهمان از یک مرد وجود دارد که مشغول کار است و یونیفرم بر تن دارد. پرچم‌های فراوانی به‌صورت افقی و مایل به پشت‌بام یا روی مقر پرچم‌ها نزدیک پشت‌بام دیده می‌شوند. از سازه سمت راستی که کمی عقب‌تر است، تنها یک قوس دیده می‌شود. خیابان خاکی و بدون سنگ‌فرش است.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های قیمومی و موسوی هنگامی که اطلاعات حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی وجود ندارد، باید به اسناد و مدارک تاریخی و از همه مهم‌تر عکس‌های تاریخی برای حل معمای تغییرات معماری دارالفنون مراجعه کرد؛ به‌ویژه با توجه به اینکه کاوش‌های گسترده به‌دلیل امکان تخریب معماری منطقه و لایه‌های تاریخی ارک تهران و بناهای موجود آن امکان‌پذیر نیست. این روشی است که باستان‌شناسی تاریخی از آن بهره می‌برد، اما قراردادن متن و مدارک نانوشته‌ای مانند عکس‌های مفقود یا مواد فرهنگی ملموس تخریب شده و از دست رفته به‌آسانی امکان‌پذیر نیست. در باستان‌شناسی تاریخی اصالت، شرح عکس، تاریخچه



تصویر ۱۴. تابلوی عکاس‌خانه عبدالله قاجار در همان عکس و محل استودیوی موقت یرماکف

سردر دارالفنون و کتیبه و بالاخانه آن را نشان می‌دهد (تصویر ۱۲). در سمت چپ، سربازی تفنگ بر دوش ایستاده و مشغول قراول یا نگهبانی است. در کنار او سه تفنگ به حالت ایستاده چاتمه شده روی لوله‌هایشان سرنیزه گذاشته شده است. ضروری بود این سردر نگهبان داشته باشد؛ زیرا از داخل به ساختمان‌های داخلی ارگ راه دارد و از بریدن برج‌ها و باروهای سمت شرقی ایجاد شده است؛ اگرچه مدرسه از هنگام ساخت هم حالت نظامی داشته است. یرماکف در ورودی باز و در لنگه سمت راست پایین در ورودی اعدادی را نوشته است که از روی نگاتیو منتقل شده‌اند که این از ویژگی‌های عکاسی یرماکف است؛ اگرچه دیگران نیز تقلید کرده باشند. در کنار ورودی، بالا و دورتادور طبقه بالای ساختمان انواع پرچم‌های دوره ابتدایی سلطنت مظفرالدین‌شاه قاجار دیده می‌شود. شکل پرچم‌ها کمی متفاوت است، حتی روی بام نیز پرچم‌های کوچک مثلثی جود دارد. نقش اصلی پرچم همان شیر و خورشید نقاشی شده شمشیر به دست و فرشته روی خورشید خانمی است که فرق سر باز کرده است. روی پرچم که در حالت عمودی قرار دارد و بالای سربازی که نگهبانی می‌دهد، عبارت لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی اسدالله دیده می‌شود. عبارت دیگری نیز روی اتیکت‌های نامه‌های سفارش داده شده قاجاری در دوره مظفرالدین‌شاه دیده می‌شود. بر این اساس ممکن است تاریخ عکس برداری به تاریخ تاج‌گذاری مظفرالدین‌شاه قاجار نزدیک باشد. در داخل سردر سرباز دیگری با دکمه‌های باز یونیفرم دیده می‌شود که گویی در حالت آماده‌باش است. کاشی‌کاری اطراف سردر به‌صورت شطرنجی و هندسی و شبیه کاشی‌کاری‌های اولیه امامزاده سید نصرالدین در خیابان خیام تهران است. در طبقه دوم ردیفی از چراغ‌ها و گلدان‌ها دیده می‌شود. انعکاس منظره روبه‌رو را می‌توان بر شیشه‌های پنجره مشاهده

تعارض در منافع

میان نویسندگان هیچ تعارضی در منافع یافت نشد.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵). *امیرکبیر و ایران*. چاپ نهم. تهران: خوارزمی.
- افشار، ایرج (۱۳۷۰). *گنجینه عکس‌های ایرانی همراه تاریخچه ورود عکاسی به ایران*. تهران: نشر فرهنگ ایران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). *مرآت البلدان*. تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. ج دوم و سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پازوکی، ناصر (۱۳۸۸). *مدرسه دارالفنون (از سری تهران‌پژوهی)*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی شهرداری تهران.
- چایچی امیرخیز، احمد، افضل‌زاده، پروین (۱۳۹۲). *دیمیتری برماکف؛ عکاس میراث فرهنگی و باستان‌شناسی*. تهران: نشر سمیرا.
- ذکاء، یحیی (۱۳۷۶). *تاریخچه عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران*. چاپ اول. تهران: شرکت انتشارات علمی-فرهنگی.
- روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۳۷۳). *جلد اول شماره‌های ۱-۱۳۰*. تهران: انتشارات کتابخانه ملی ایران. قیومی بیدهندی، مهرداد و سیده بشری موسوی، (۱۳۹۷). *معماری مدرسه دارالفنون در دوره قاجاریان، مجله نامه معماری و شهرسازی، ۲۰، ۱۲۷-۹۹*.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۸). *تاریخچه مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. ج اول. چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- نصری، عبدالله (۱۳۸۶). *رویارویی با تجدد*. ج اول. تهران: نشر علم.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۸۵). *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*. تهران: معین.
- هورشید، شقایق و احمد چایچی امیرخیز (۱۳۹۶). *باستان‌شناسی شهری*. تهران: کاوش میدان آرک. تهران: سمیرا.

De Herder, Hans "Ermakov Dimitri (c.1845-c.1916) "Chronicler of the caucasus, (2008), in *Encyclopedia of Nineteenth-century Photography*, edited by: John Hannavy, 494496-. CRC Press, New York

Ermakov Dimitry Дм. Ермакова (1896). *каталог фотографических видов и типов (in Russian)- Ermakov Dimitry Дм. Ермакова (1901) каталог фотографических видов и типов (in Russian)*

عکاسی و عکاس، توصیف، تفسیر جزئیات و اطلاعات به‌دست‌آمده از آنها و سرانجام تبیین داده‌ها و استنتاج امری اجتناب‌ناپذیر است. خوشبختانه عکس‌های مجموعه دیمیتری برماکف در موزه ملی گرجستان همه خصوصیات و جزئیات لازم و حتی شرح عکس را به‌صورت زیرنویس دارد. عکس شماره ۱۰۱۲۱ نمای شرقی و سردر کتیبه دارالفنون را در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه نشان می‌دهد. کتیبه آسیب‌دیده و نام ناصرالدین‌شاه که پوشانده شده است، حکایت از ساخته‌شدن این سردر در دهه آخر قرن سیزدهم قمری یا سال ۱۲۹۲ دارد. از سوی دیگر نشان‌دهنده افول و تنزل دارالفنون و رسیدگی به آن تا پایان سلسله قاجار است. به هر حال ساخته‌شدن این سردر نمی‌تواند دور از برنامه ساخت‌وساز و گسترش شهر تهران در دومین دوره شهرسازی ناصرالدین‌شاه باشد. در دوره دوم تغییر شکل باروی شهر، ایجاد میدان‌ها، پارک‌ها و ساخت بناهای بیشتر در تهران انجام شد و سیستم انتقال و ذخیره آب سطح شهر تغییر یافت. در این دوره، معماری مدرن اروپایی در تلفیقی استادانه با معماری سنتی اسلامی ایران قرار گرفت. گرچه معماری درون‌گرا همچنان عنصر غالب بود و تنها از دوره پهلوی اول است که معماری برون‌گرا در تهران اجرا شد و تمام دروازه‌ها و خندق‌ها برچیده شدند. ساخت دارالفنون جدید با ورودی رفیع در خیابان ناصرخسرو در سال ۱۳۰۷ شمسی و کوچک‌شدن منطقه آرک و ساخته‌شدن اداره‌ها و مؤسسات دولتی و تخریب قسمت اندرونی کاخ گلستان در سمت جنوب ادامه همین سیاست بود؛ بنابراین در نبود عکس‌های تاریخی نماها و جزئیات ساختمانی مدرسه در دوران مشروطه و اوایل سلطنت پهلوی اول، قضاوت درمورد درستی و نادرستی ساخت مدرسه جدید و علل بازسازی و نوسازی مدرسه دارالفنون آسان نیست؛ زیرا در همین ایام در شهر قزوین شاهد نگهداری و مرمت دروازه تهران برای حفظ اصالت و هویت تاریخی شهر هستیم، اما آنچه مسلم است دارالفنون پس از کشته‌شدن ناصرالدین‌شاه روندی نزولی داشته است. خوشبختانه به‌دلیل وجود عکس‌های برماکف می‌توانیم تحولات تاریخی معماری منطقه آرک را در دوره ناصرالدین‌شاه پیگیری کنیم. عکس مورد مطالعه و دو نقشه تهران که هر دو به کمک شاگردان دارالفنون ترسیم شده‌اند، به‌خوبی رشد و گسترش دارالفنون را در فاصله سال‌های ۱۲۷۵ تا ۱۳۰۹ قمری نشان می‌دهند و نتایج این پژوهش را تأیید می‌کنند. ایجاد مؤسسات تمدنی جدید در ایران بی‌ارتباط به این گسترش و برنامه بلندمدت آن نبوده است. درواقع مجموعه چندگانه دارالفنون یا اولین پلی تکنیک ایران را باید سرچشمه همه نهادهای آموزشی، پژوهشی، علمی و صنعتی کشور و نه به‌عنوان یک دبیرستان با تاریخچه‌ای از فراز و فرود بسیار از تأسیس تا تعطیلی و تبدیل آن به موزه دانست.